

موافقت نامه صلح میان دولت و حزب اسلامی رهبری حکمتیار محمداکرام اندیشمند

صرف نظر از دیدگاه موافق و مخالف بر سر موافقت نامه صلح میان دولت افغانستان و حکمتیار رهبر حزب اسلامی، نکته قابل توجه به پیروزی چشمگیر سیاسی گلبدین حکمتیار در این توافقنامه بر می گردد. این توافق نامه که متن آن غالباً به قلم حکمتیار تهیه شده، در بیشترین ماده های آن از تعهدات دولت به رهبر حزب اسلامی و اعضای حزب سخن می رود تا از تعهدات وی به دولت افغانستان. موافقت نامه با این متن و محتوی نشان می دهد که قصر سپیدار به عنوان شریک ظاهری در حکومت وحدت ملی با رئیس جمهور غنی، نقشی در تدوین و امضای آن ندارد. در تمام 25 ماده موافقت نامه، ذکری از حکومت وحدت ملی نیست و در پای موافقت نامه نیز نام و امضای دکتر عبدالله رئیس اجرایی این حکومت دیده نمی شود؛ هر چند که رئیس اجرایی در روزهای قبل، توافق و خشنودی خود را از توافقنامه بعد از رفع ملاحظاته بدون توضیح و بیان آن ملاحظات، ابراز کرد.

افزون بر موفقیت حکمتیار در این توافقنامه به عنوان رهبر یک حزب اسلامی که پیوسته در چهل سال اخیر سر ستیز و مخالفت مسلحانه با حاکمیت سیاسی پایتخت داشته و حالا می خواهد به مبارزه سیاسی و مدنی بر گردد، طرف های مختلف داخلی و خارجی دیگر نیز از موافقت نامه سود می برند و یا در صدد دسترسی به سود های مورد نظر خود استند:

1- گلبدین حکمتیار برای رئیس جمهور غنی می تواند بازو و مشت آهنینی باشد که مجاهدان تنظیمی شریک سفره قدرتش را توسط آن، مهار، منزوی و حتی سرکوب کند.

2- نقش حکمتیار برای اشرف غنی از زاویه رابطه با پاکستان با اهمیت تلقی می شود. در حالی که رئیس جمهور غنی برخلاف معیارهای دیپلماتیک در 23 عقرب 1393 (14 نوامبر 2014)، دروازه ارتش پاکستان و آی.اس.آی را در شهر راولپندی دق الباب کرد تا با آن ها به تفاهم و توافق برسد، اما جنرالان پاکستانی اعتنا و اعتمادی به وی نکردند. حضور حکمتیار در کابل و در کنار اشرف غنی به عنوان چهره مورد اعتماد پاکستان، موقعیت اشرف غنی و دولت تحت رهبری او را در تفاهم و توافق با پاکستان تقویت می کند و شانس او را در این مورد افزایش می دهد. وجود حکمتیار در کابل و در درون دولت تا حدی از نگرانی و خصومت پاکستانی ها بر سر رابطه نزدیک دهلی و کابل که این نزدیکی را توطئه علیه اسلام آباد می پندارند، می کاهد و جنرالان پاکستانی را بسوی مذاکرات شاید صادقانه تر با کابل بکشاند و حتی رویکرد آن ها را در بردن طالبان بسوی میز مذاکره با کابل متحول سازد.

3- نکته مثبت دیگر این توافق برای ریس جمهور غنی و برای صلح در افغانستان، به تاثیرگذاری آن بر طالبان و یا به برخی رهبران و فرماندهان طالبان، بر می گردد. این توافقنامه و ورود حکمتیار به کابل، هم از نظر آیدئولوژیک و هم از نظر قومی می تواند بر طالبان تاثیرگذار باشد و آن ها را در دوراهی و تنگنای جنگ و صلح و بیشتر متمایل به صلح قرار دهد.

4- عربستان سعودی نیز از این توافقنامه و حضور حکمتیار در پایتخت و در درون دولت، خشنود می شود و موقعیت خود را در رقابت و خصومت منطقه ای با جمهوری اسلامی ایران، در زمین افغانستان بهتر می یابد.

اما در پاسخ به این پرسش ها که آیا این انتظارات و توقعات برای طرف های مختلف، دست یافتنی خواهد بود، یا توافقنامه، کورگه صلح را خواهد کشود، و یا بر خلاف، گره پیچیده صلح را پیچیده تر می سازد و میدان را برای بازی های جدید گروه های داخلی و بازیگران رقیب و متخاصم منطقه ای آماده می کند، به زمان نیاز دارد.

گذشت زمان نشان خواهد داد که حکمتیار در چهره و نقش تازه اش مبتنی بر تحول و تغییر از ستیزه جویی و جنگ به مبارزات مدنی و سیاسی، با موفقیت، گذر و عمل خواهد کرد؟

آیا پاکستان رویکرد جدید معطوف به همکاری با صلح و ثبات را پس از ورود حکمتیار به کابل در پیش خواهد گرفت؟